

• محسن آرمین •

■ جریان‌های تفسیری معاصر ■
■ مسئلهٔ آزادی ■



نشرنی

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۳
----------	----

فصل اول: مقدمه و کلیات ۱۷

مقدمه	۱۹
کلید واژه‌ها	۲۰
آزادی	۲۰
معنای اصطلاحی آزادی	۲۱
آزادی در دوره جدید	۲۴
آزادی در تفکر فلسفی اسلامی	۳۲
آزادی در فرهنگ و اندیشه اسلامی	۳۴
آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در این تحقیق	۳۶
مفسران قرآن معاصر	۴۱
مفسران مشهور	۴۲
تمهید قرآنی	۴۴

فصل دوم: ایران و منطقه عربی در عصر بیداری؛ تحولات فکری - سیاسی ۴۵

مقدمه	۴۷
تحولات اجتماعی و اقتصادی اروپا	۴۷
جهان اسلام پس از جنگ‌های صلیبی	۵۰

اولین آشنایی‌ها با تمدن جدید	۵۱
ایران	۵۱
جنگ‌های ایران و روس و آغاز بیداری	۵۱
مشروطه‌خواهی	۵۵
احیای اندیشه دینی و مسئله آزادی	۵۶
روشنفکری دینی	۶۹
مصر و سوریه	۷۳
آغاز بیداری	۷۴
مصر در نیمه قرن نوزدهم	۷۸
جریان‌های فکری سیاسی در مصر جدید	۸۱
مصر و سوریه در دهه‌های آغازین قرن بیستم	۸۹
برآمدن جریان‌های قومی و سکولار	۹۰
برآمدن جریان بنیادگرایی دینی	۹۲
بنیادگرایی اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم	۹۵
تونس	۹۸

فصل سوم: آزادی در تفاسیر سلف ۱۰۳

مقدمه	۱۰۵
تفسیر مجمع البیان	۱۰۵
کرامت انسان	۱۰۶
آزادی انسان و دعوت انبیاء	۱۰۸
تعامل با اهل کتاب	۱۱۲
جهاد و دعوت انبیاء	۱۱۳
تفسیر کشاف	۱۱۵
کرامت انسان	۱۱۵
آزادی انسان و دعوت انبیاء	۱۱۷
جهاد و دعوت	۱۱۹
آزادی‌های سیاسی و اجتماعی	۱۲۰
خلاصه بحث	۱۲۱

فصل چهارم: بررسی و نقد آرای مفسران معاصر درباره آزادی ۱۲۳

بررسی و نقد آرای شیخ محمد عبده	۱۲۵
زندگینامه	۱۲۵
اندیشه‌های عبده	۱۲۷
المنار و آراء تفسیری عبده	۱۲۹
ارزش و منزلت انسان	۱۳۱
آزادی انسان و دعوت انبیا	۱۳۳
جهاد و دعوت	۱۳۵
آزادی دین	۱۳۸
اسلام و جامعه	۱۴۰
نظریه حکومت	۱۴۱
حکومت اسلامی و آزادی‌های سیاسی	۱۴۸
حکومت اسلامی و آزادی نقد و انتقاد	۱۵۰
حکومت اسلامی و احزاب و نهادهای مدنی	۱۵۱
حکومت اسلامی و رأی اکثریت	۱۵۲
حکومت اسلامی و آزادی‌های اجتماعی و مدنی	۱۵۵
خلاصه بحث	۱۵۷
بررسی و نقد آرای شیخ طنطاوی جوهری	۱۵۹
زندگینامه	۱۵۹
درباره تفسیر جواهر	۱۵۹
آزادی انسان و دعوت انبیاء	۱۶۲
جهاد و دعوت	۱۶۳
نظریه حکومت	۱۶۷
حکومت اسلامی	۱۶۹
اصول و مبانی دولت اسلامی	۱۷۰
آزادی‌های سیاسی و مدنی	۱۷۴
آزادی مذهب	۱۷۵
آزادی عقیده و بیان	۱۷۷
خلاصه بحث	۱۷۸
بررسی و نقد آرای سید قطب	۱۷۹

۲۵۵ خلاصه بحث	۱۷۹ زندگینامه
۲۵۶ بررسی و نقد آرای علامه سید محمد حسین طباطبایی	۱۸۳ تدوین تفسیر فی ظلال القرآن
۲۵۶ زندگینامه	۱۸۳ آثار سید قطب
۲۵۷ تمهید	۱۸۴ مبانی اندیشه سیاسی سید قطب
۲۵۸ مبانی اندیشه سیاسی علامه طباطبایی	۱۸۴ ارزش و مقام انسان
۲۵۸ انسان	۱۸۶ آزادی انسان و دعوت انبیاء
۲۵۹ فطرت	۱۸۹ دین
۲۵۹ اجتماع	۱۹۱ ربوبیت، الوهیت و حاکمیت الله و جاهلیت
۲۶۰ دین	۱۹۷ جهاد
۲۶۱ آزادی انسان و دعوت انبیاء	۲۰۸ تعامل با پیروان ادیان
۲۶۳ نفی اکراه در پذیرش دین	۲۰۹ تعامل با مشرکان
۲۶۴ دین و آزادی	۲۱۱ تعامل با اهل کتاب
۲۶۷ نظریه حکومت	۲۱۶ اسلام و حکومت
۲۶۸ حکومت اسلامی	۲۱۸ اختصاص حق قانون‌گذاری به خداوند
۲۷۲ حکومت اسلامی و دموکراسی	۲۱۹ حکومت اسلامی و خواست مردم
۲۷۴ آزادی‌های سیاسی	۲۲۰ مشخصه‌ها و اختیارات حاکم اسلامی
۲۷۵ آزادی مذهب	۲۲۱ امر به معروف و نهی از منکر
۲۷۶ جهاد	۲۲۲ شورا
۲۸۲ آزادی اهل کتاب	۲۲۴ حقوق و آزادی‌های مدنی
۲۸۵ آزادی اندیشه و بیان	۲۲۷ خلاصه بحث
۲۸۹ خلاصه بحث	۲۲۹ بررسی و نقد آرای آیه‌الله سید محمود طالقانی
۲۹۰ بررسی و نقد آرای بن‌عاشور	۲۲۹ زندگینامه
۲۹۰ زندگینامه	۲۳۱ زیست‌جهان آیت الله طالقانی
۲۹۱ افکار و اندیشه‌های اصلاحی بن‌عاشور	۲۳۲ توحید
۲۹۵ آزادی در پذیرش دعوت انبیاء	۲۳۳ منزلت انسان
۲۹۶ جهاد و دعوت	۲۳۴ آزادی انسان و دعوت انبیاء
۳۰۲ اسلام سیاست و حکومت	۲۳۷ آزادی مذهب
۳۰۳ حکومت اسلامی	۲۴۰ جهاد و دعوت
۳۰۳ فطرت	۲۴۵ نظریه حکومت
۳۰۴ برخورداری انسان از حقوق اساسی	۲۴۸ بررسی و نقد مبانی نظریه حکومت
۳۰۴ حکومت واحد اسلامی	۲۵۲ آزادی‌های مذهبی و سیاسی

۳۷۳	آزادی عقیده و تفکر	۳۰۵	تبعیت از مقاصد شریعت
۳۷۶	حق سازمان‌یابی	۳۰۵	انتخابی بودن حاکم اسلامی
۳۷۷	آزادی مذهب	۳۰۶	اولو الامر در حکومت اسلامی
۳۸۳	خلاصه بحث	۳۰۶	شورا و حکومت اسلامی
۳۸۴	بررسی و نقد آرای محمد عزه دروزه	۳۰۸	آزادی‌های سیاسی و مدنی
۳۸۴	زندگی‌نامه	۳۰۹	آزادی اندیشه و بیان
۳۸۵	فعالیت‌های سیاسی	۳۱۰	آزادی مذهب
۳۸۶	فعالیت‌های علمی	۳۱۵	خلاصه بحث
۳۸۸	آزادی و دعوت انبیاء	۳۱۷	بررسی و نقد آرای علامه سید حسین فضل‌الله
۳۹۰	جهاد و دعوت	۳۱۷	زندگی‌نامه
۳۹۶	دین، سیاست و حکومت	۳۱۸	آثار و مکتوبات فضل‌الله
۳۹۸	نظریه حکومت اسلامی	۳۱۹	کرامت انسان
۳۹۸	مبانی و مؤلفه‌های حکومت اسلامی	۳۲۱	آزادی در پذیرش دعوت انبیاء
۴۰۷	آزادی مذهب در حکومت اسلامی	۳۲۵	جهاد و دعوت
۴۱۱	خلاصه بحث	۳۳۶	دین و سیاست
۴۱۳	جمع‌بندی	۳۳۹	حکومت اسلامی
		۳۳۹	دموکراسی
۴۲۱	منابع و مأخذ	۳۴۵	شورا
۴۳۱	نمایه	۳۴۸	امر به معروف و نهی از منکر
		۳۵۰	آزادی سیاسی
		۳۵۴	آزادی اندیشه و بیان
		۳۵۷	آزادی مذهب
		۳۵۹	خلاصه بحث
		۳۶۲	بررسی و نقد آرای دکتر وهبه زحیلی
		۳۶۲	زندگی‌نامه
		۳۶۳	آزادی و دعوت انبیاء
		۳۶۴	جهاد و دعوت
		۳۶۷	اسلام و حکومت
		۳۶۹	اولو الامر
		۳۷۰	شورا
		۳۷۲	آزادی‌های سیاسی و اجتماعی

مقدمه

در این کتاب، با توجه به تنبیه عالمانه و یلهلم دیلتهای^۱ در علوم انسانی و اشاره‌اش به درهم آمیختگی و ارتباط انکارناپذیر ابژه و سوژه در این حوزه (Eramarth, 1978:141)، تنها به بررسی متون اکتفا نشده است زیرا درک عمیق آراء و نظریات مفسران آن‌گونه که قادر به تبیینی دقیق از چگونگی و ماهیت آن‌ها باشد در گرو فهم محیط و فضایی است که صاحبان‌شان در آن زیسته و با آن داد و ستد فکری و روحی داشته‌اند. از این رو، ناگزیریم از روش هرمنوتیکی برای درک دقیق‌تر آراء مفسران استفاده کنیم. فهم ذهنیت و نیت مؤلف به مثابه هدف نهایی شناخت، آن‌چنان که دیلتهای گفته است، جز از طریق بررسی زندگی مؤلف و عدم اکتفا به مطالعه استقلالی آثار وی ممکن نیست. (احمدی، ۱۳۷۷:۱۲۷-۱۲۸) این مهم ممکن نخواهد شد مگر از طریق آن‌چه گادامر آن را امتزاج افق دیدها و نزدیک شدن زیست‌جهان پژوهشگر به زیست‌جهان مؤلف نامیده است (احمدی، ۱۳۷۰:۵۷۴)، و یا آن‌چه هیرش آن را نزدیک شدن به افق معنایی مؤلف خوانده است (Hirsch, 1976:24). بنابراین، سعی می‌شود با استفاده از روش هرمنوتیک مبتنی بر قصد مؤلف و معنای قطعی متن، به روایت دیلتهای و هیرش، و عرضه مستمر تفاسیر و برداشت‌های ممزوج با ذهنیت‌های پیشینی به کلیت متن در پرتو فهم شخصیت و محیط مؤلف (دور هرمنوتیکی)، به فهم دقیق‌تر سطوح معنایی موجود در ورای معنای تحت‌اللفظی عبارات پی برده و به مقصود مفسر و دیدگاه واقعی او نزدیک شویم. علاوه بر این، از آن‌جا که فکر و اندیشه اجمالاً با تاریخ نسبتی دارد و انسان‌ها عموماً محصول شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره خویش‌اند، (فانی، نشر دانش، اسفند ۱۳۶۱، ۲۳-۳۱) از روش تحلیل تاریخی بهره‌گرفته شده است تا با بررسی جامعه و دورانی که مفسر در آن به سر می‌برده درک دقیق‌تر و روشن‌تری از مقصود و مراد او به دست آید.

همچنین با توجه به این‌که پدیده‌های انسانی و فکری به تعبیر هوسرل تابع روح و معنای معینی بوده و دلالت حقیقی آن‌ها را همواره باید در ذیل هیئت کلی و در متن صورت عام و در نسبت با دیگر اجزاء جست‌وجو کرد، (فروند، ۱۳۶۲: ۱۲۸) از روش پدیدارشناسی و تحلیل فضای فرهنگی و گفتمانی حاکم بر دوران حیات مفسر کمک گرفته شده است.

کلید واژه‌ها

آزادی

آزادی را در لغت «خلاف بندگی و رقیبت و عبودیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب و...» معنی کرده‌اند. (دهخدا، ۱۳۳۰: ج ۱) پطرس بستانی واژه «حر» را که معادل عربی لفظ «آزاد» است، چنین معنا می‌کند: «الحر فی اللغة خلاف العبد و الرقیق و الحریة حالة الحر و هی خلاف الرق او العبودیة.» (بستانی، ج ۳: ۷)

به گزارش عبدالهادی حائری برخی از صاحب‌نظران واژه آزادی را از واژه اوستایی «آزاته» (AZATA) و یا واژه پهلوی «آزاتی» (AZATI) گرفته‌اند. برخی دیگر معتقدند واژه «آزات» (AZAT) به معنی آزاد در برخی از اسناد آرامی سده پنجم پیش از میلاد مصر راجع به آزادی یک زن برده به کار رفته است. (حائری، ۱۳۷۴: ۹)

بر اساس این گزارشات از دیر باز واژه آزاد و آزادی به معنی مخالف بردگی و انسان غیر برده در زبان‌های فارسی و آرامی کاربرد داشته است. معادل عربی واژه «آزادی»، یعنی واژه «حر»، نیز از چنین قدمتی برخوردار است. درباره ریشه این واژه اختلاف نظر وجود دارد. عالمان لغت عربی، از جمله جوهری، آن را از اصل «ح-ر-ر» به معنای حرارت دانسته‌اند. وی در معنی «حر» می‌گوید: «الحر: ضد البرد، والحرارة ضد البرودة و الحررة أرض ذات حجارة سود نخرة كأنها أحرقت بالنار... و الحر بالضم: خلاف العبد... و حر العبد یحر حراراً. قال الشاعر: ما رُد من بعد الحرار عتیق و حر الرجل یحر حریة، من حریة الاصل...» (الجوهری، ۱۹۸۴: ج ۲، ۶۲۶ و ۶۲۷)

گروهی از محققان واژه «حر» را غیر عربی و از ریشه عبری «Hor» و یا از ریشه سریانی «Her» دانسته‌اند. فرانتس روزنتال^۱ می‌گوید: «معادل دقیق واژه عربی حر در عبری «Hor» و در سریانی «Her» است... در نسخه‌های نبطی و پالمیری مکرراً شکل مرکب «Bat h-rin» و «Bar h-rin» را به ترتیب به معنای مرد آزاد شده و زن آزاد شده نشان می‌دهد.» (روزنتال، ۱۳۷۹: ۲۸ و ۲۹)

اصل و ریشه «آزادی» و معادل عربی آن یعنی «حریت» هرچه باشد، این واژه‌ها در طول تاریخ برای بیان معنای مختلفی به کار رفته‌اند. چنان‌که گفتیم واژه آزادی در ادب فارسی از دیرباز کاربرد

1. France Rosental

داشته است. نویسندگان و شعرای ایرانی آن را در معنای مختلفی مانند آزادگی، حریت، آزاد مردی، رهایی، شادی، استراحت، آرامش، سپاس، حق‌شناسی و به‌ویژه در مفهوم ضد بردگی و بندگی به کار برده‌اند. (دهخدا، ۱۳۳۰، ج ۱) معادل عربی «آزادی»، یعنی واژه «حریت»، نیز در ادب عرب استعمالات مختلفی نظیر شرافت، آزادگی، آزادمنشی، کرامت، دارای نژاد و تبار اصیل، بزرگواری و... داشته و دارد. اما با توجه به قدیم‌ترین کاربردها و شایع‌ترین استعمالات دو واژه «آزادی» و «حریت» در ادب فارسی و عربی، معنای مذکور را باید معنای استعاری و مجازی قلمداد کرد و استعمال آن‌ها را در معنای مخالف بندگی و بردگی استعمالی حقیقی دانست. چنان‌که فرانس روزنتال نیز اشاره دارد، به نظر می‌رسد تحت نهاد برده‌داری انتساب صفات نیکو و شایسته به انسان‌های آزاد و صفات مذموم به انسان‌های برده، به منزله انسان‌های فرومایه، منشأ چنین مجاز و استعاره‌ای بوده است. (روزنتال، ۱۳۷۹: ۳۰)

بنابراین، تحول مفهومی واژه آزادی در زبان فارسی همچون واژه «حریت» در زبان عربی متأثر از پارادایم برده‌داری بوده است.

معنای اصطلاحی آزادی

آنچه تاکنون به آن اشاره شد مربوط به معنای لغوی آزادی بود. اما این واژه در اندیشه و فرهنگ اسلامی و در حوزه‌های معرفتی مختلف بر تعاریف و معنای اصطلاحی متفاوتی دلالت دارد و به تناسب این دلالت‌ها و معنای، با واژه‌های عربی خاصی معادل و هم‌نشین است.

الف) آزادی در مقابل بردگی

گاه «آزاد» به معنای مخالف برده به‌مثابه اصطلاحی فنی حقوقی ناظر بر پاره‌ای برخوردارها، حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی و در عین حال بیانگر پایگاه اجتماعی افراد به کار می‌رود. معادل عربی «آزاد» در این اصطلاح، چنان‌که پیش از این گفته شد، واژه «حر» است. «حر» و «آزاد» در این معنا مخالف واژه‌های عبد، رق، بنده، برده، مملوک و مولی به کار می‌رود. آزادی در این اصطلاح مخصوص جامعه و دوران برده‌داری است که قبل از اسلام در میان قبایل عرب و در ایران و روم و پیش از آن در یونان رواجی گسترده داشته و در دوران اسلامی نیز برجای مانده است، با این تفاوت که در تمدن‌ها و دوران پیش از اسلام «حریت» و «بردگی» صرفاً یک مقوله حقوقی نبوده و غالباً علاوه بر مفهوم حقوقی و وضعی، معنایی هستی‌شناسانه داشته و شخص «حر» و «آزاد» به لحاظ انتولوژیک از تبار و نژاد برتر و دارای خون متفاوت شناخته می‌شده است، اما در اسلام به دلیل اعتقاد به اصل توحید و منشأ واحد برای انسان‌ها و برابری آن‌ها در برابر خداوند هرگونه تفاوت و تمایزی در آفرینش انسان‌ها نفی شد و اصطلاح «حر» و «آزاد» به مفهوم حقوقی و وضعی آن محدود